

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ویجی پراشاد
برگردان: جنوب جهانی
فرستنده: طاهر باختری
13 نومبر 2024

ما نمی‌خواهیم از جزایر ما برای کشتن مردم استفاده شود!



(Kanak), Profil art, 1996. Yvette Bouquet

ما نمی‌خواهیم از جزایر ما برای کشتن مردم استفاده شود: چهل و پنجمین خبرنامه (۲۰۲۴)
در سراسر اقیانوس آرام، جوامع بومی موجی فزاینده از خودمختاری و مقاومت در برابر میراث استعمار غربی را رهبری می‌کنند. این مقاومت از دفاع از حقوق مانوروی‌ها در آنوتاروا (نیوزیلند) تا مقابله با حضور نظامی امریکا و فرانسه در اقیانوسیه گسترده است.
دوستان عزیز،

از طرف مؤسسه تریکانتینتال: مؤسسه تحقیقات اجتماعی درود می‌فرستم.
چند هفته گذشته را با دعوت گروه‌هایی مانند «ته کوآکا»، «رد آنت» و حزب کمونیست استرالیا در آنوتاروا (نیوزیلند) و استرالیا گذراندم. این دو کشور که تحت تأثیر استعمار بریتانیا شکل گرفتند، از جابه‌جایی خشن جوامع بومی و غصب سرزمین‌هایشان آسیب دیده‌اند. امروزه، با پیوستن به نظامی‌سازی اقیانوس آرام به رهبری امریکا، مردم بومی این کشورها برای دفاع از سرزمین و شیوه زندگی خود به مبارزه برخاسته‌اند.

در ۶ فروری ۱۸۴۰، پیمان وایتانگی میان نمایندگان دولت بریتانیا و گروه‌های مائوری آئوتاروا امضاء شد. این پیمان که مشابهی در استرالیا ندارد، قول داد که از مائوری‌ها در استفاده از زمین‌ها، منابع ماهیگیری، جنگل‌ها و سایر دارائی‌های ارزشمندشان حمایت کند و اطمینان دهد که دو طرف پیمان در کنار هم با صلح و همکاری نیوزیلند را توسعه خواهند داد. در مدتی که در آئوتاروا بودم، متوجه شدم که دولت ائتلافی جدید قصد دارد پیمان وایتانگی را «بازتفسیر» کند تا از حمایت‌های موجود برای خانواده‌های مائوری بکاهد. این برنامه شامل کاهش ابتکاراتی مانند سازمان بهداشت مائوری (ته آکا وای اورا) و برنامه‌هایی است که استفاده از زبان مائوری (ته رئو مائوری) را در نهادهای عمومی ترویج می‌کنند. این مخالفت با کاهش حمایت‌ها تنها محدود به جوامع مائوری نیست، بلکه بخش‌های وسیعی از جمعیت نیز خواستار زندگی در جامعه‌ای هستند که به پیمان‌های خود پایبند باشد. وقتی سناتور بومی استرالیا لیدیا تورپ در ماه گذشته دیدار چارلز، پادشاه بریتانیا، از پارلمان استرالیا را مختل کرد، او احساسات گسترده‌ای را در سراسر اقیانوس آرام بازتاب داد. در حالی که مأموران امنیتی او را بیرون می‌بردند، فریاد زد: «شما نسل‌کشی علیه مردم ما انجام داده‌اید. زمین ما را پس بدهید! آنچه از ما دزدیدید را پس بدهید - استخوان‌ها، مجسمه‌ها، کودکان و مردم ما را پس بدهید. ... ما در این کشور خواستار یک پیمان هستیم. ... شما پادشاه من نیستید. شما پادشاه ما نیستید.»

با وجود یا بدون پیمان، هر دو کشور آئوتاروا و استرالیا شاهد موجی از احساسات خودمختاری در سراسر جزایر اقیانوس آرام بوده‌اند که بر میراث چند صد ساله بنیان دارد. این موج خودمختاری اکنون به سمت مخالفت با استقرار نظامی گسترده آمریکا در اقیانوس آرام کشیده شده است که تهدیدی واهی از سوی چین را هدف قرار داده است. فرانک کندال، وزیر نیروی هوایی ایالات متحده، در جلسه سپتامبر ۲۰۲۴ انجمن نیروهای هوایی و فضائی درباره چین و منطقه هند-آرام، این موضع را بخوبی بیان کرد و گفت: «چین یک تهدید آینده نیست، چین تهدیدی امروزی است.» او گفت که چین در حال تقویت ظرفیت‌های عملیاتی خود برای جلوگیری از پیشروی آمریکا به سمت غرب اقیانوس آرام است. از نظر کندال، مسأله این نبود که چین تهدیدی برای کشورهای دیگر در شرق آسیا و اقیانوس آرام جنوبی باشد، بلکه این بود که چین مانع از نقش‌آفرینی آمریکا در منطقه و آب‌های پیرامون آن، حتی در مناطقی نزدیک به مرزهای چین، می‌شود. وی افزود: «نمی‌گویم که جنگ در اقیانوس آرام قریب‌الوقوع یا حتمی است. اینطور نیست. اما احتمال آن در حال افزایش است و به افزایش خود ادامه خواهد داد.»

در سال ۱۹۵۱، در اوج انقلاب چین (۱۹۴۹) و جنگ آمریکا علیه کوریا (۱۹۵۰-۱۹۵۳)، جان فاستر دالس، مشاور ارشد سیاست خارجی آمریکا و بعدتر وزیر خارجه این کشور، به تدوین چند پیمان کلیدی کمک کرد، از جمله پیمان امنیتی ۱۹۵۱ استرالیا، نیوزیلند و آمریکا (ANZUS) که استرالیا و نیوزیلند را به‌طور کامل از نفوذ بریتانیا خارج کرد و در طرح‌های جنگی آمریکا قرار داد و پیمان صلح سان‌فرانسیسکو ۱۹۵۱ که به اشغال رسمی آمریکا در جاپان پایان داد. این پیمان‌ها - که بخشی از ستراتیژی تهاجمی آمریکا در منطقه بودند - هم‌زمان با اشغال چند کشور جزیره‌ای در اقیانوس آرام توسط آمریکا صورت گرفت؛ کشورهایی که پیش‌تر در آن‌ها تأسیسات نظامی همچون بندرها و پایگاه‌های هوایی ایجاد کرده بود، مانند هاوایی (از ۱۸۹۸)، گوام (از ۱۸۹۸) و ساموآ (از ۱۹۰۰). از دل این واقعیت که از جاپان تا آئوتاروا گسترش یافته بود، دالس ستراتیژی «زنجیره جزایر» را توسعه داد؛ ستراتیژی به‌اصطلاح مهار که حضور نظامی در سه «زنجیره جزیره‌ای» از چین تا بیرون منطقه، به عنوان یک محیط تهاجمی، برقرار می‌کرد تا از نفوذ هر قدرتی غیر از آمریکا بر اقیانوس آرام جلوگیری کند.

با گذشت زمان، این سه زنجیره جزیره‌ای به دژهای مستحکمی برای نمایش قدرت امریکا تبدیل شدند، به طوری که حدود چهارصد پایگاه در منطقه ایجاد شد تا توان نظامی امریکا را از آلاسکا تا جنوب استرالیا حفظ کند. با وجود امضای پیمان‌های مختلف برای غیرنظامی‌سازی منطقه (مانند پیمان جنوب اقیانوس آرام عاری از تسلیحات هسته‌ای، معروف به پیمان راروتونگا در سال ۱۹۸۶)، امریکا تجهیزات نظامی مرگبار، از جمله تسلیحات هسته‌ای، را برای ایجاد تهدید علیه چین، کوریای شمالی، روسیه و ویتنام (در دوره‌های مختلف با شدت متفاوت) از این منطقه عبور داده است. این «ستراتژی زنجیره جزایر» شامل تأسیسات نظامی در مستعمره‌های فرانسه مانند والیس و فوتونا، کالدونیای جدید و پلی‌نزی فرانسه نیز می‌شود. امریکا همچنین ترتیبات نظامی با ایالات فدرال میکرونزی، جزایر مارشال و پالائو برقرار کرده است.

برخی از این کشورهای جزیره‌ای اقیانوس آرام به عنوان پایگاه‌هایی برای نمایش قدرت امریکا و فرانسه علیه چین استفاده می‌شوند، در حالی که برخی دیگر به عنوان مکان‌هایی برای آزمایش‌های هسته‌ای مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بین سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۸، امریکا شصت و هفت آزمایش هسته‌ای در جزایر مارشال انجام داد. یکی از این آزمایش‌ها، که در آب‌سنگ حلقه‌ای بی‌کینی انجام شد، شامل انفجار سلاح هسته‌ای گرمازا بود که هزار برابر قدرتمندتر از بمب‌های اتمی بود که بر روی هیروشیما و ناگازاکی انداخته شده بود. دارلین کجو جانسون، که در زمان انفجار آب‌سنگ بی‌کینی تنها سه سال داشت و بعدها یکی از نخستین زنان مارشالی بود که درباره آزمایش‌های هسته‌ای در جزایر صحبت کرد، احساس مردم جزایر را در یکی از سخنرانی‌های این‌گونه بیان کرد: «ما نمی‌خواهیم از جزایرمان برای کشتن انسان‌ها استفاده شود. مهم این است که می‌خواهیم در صلح زندگی کنیم.»

با این حال، علی‌رغم مقاومت افرادی مانند کجو جانسون (که بعدها به عنوان مدیر در وزارت بهداشت جزایر مارشال فعالیت کرد)، امریکا در پانزده سال گذشته فعالیت نظامی خود را در اقیانوس آرام شدت بخشیده است، به طوری که از بستن پایگاه‌ها خودداری کرده، پایگاه‌های جدیدی افتتاح نموده و برخی دیگر را برای افزایش ظرفیت نظامی‌شان توسعه داده است. در استرالیا - بدون هیچ‌گونه بحث عمومی واقعی - دولت تصمیم گرفت بودجه امریکا را برای توسعه باند فرودگاه پایگاه هوایی تیندال در داروین تکمیل کند تا بتواند بمب‌افکن‌های B-52 و B-1 امریکایی با قابلیت حمل سلاح هسته‌ای را در خود جای دهد. همچنین تصمیم گرفته شد تأسیسات تحت‌البحری را از گاردن آیلند به راکینگهام گسترش دهند و یک تأسیسات راداری پیشرفته جدید برای ارتباطات فضائی عمیق در آگزموت احداث کنند.

این توسعه‌ها پس از ایجاد شراکت آکوس (AUKUS) میان استرالیا، بریتانیا و امریکا در سال ۲۰۲۱ صورت گرفت که به امریکا و بریتانیا اجازه داد تا ستراتیژی‌های خود را به‌طور کامل هماهنگ کنند. این شراکت همچنین سازندگان فرانسوی را که تا آن زمان تحت‌البحری‌های دیزل‌سوز به استرالیا می‌فروختند کنار گذاشت و مقرر شد استرالیا به جای آن‌ها، تحت‌البحری‌های هسته‌ای از بریتانیا و امریکا خریداری کند. در نهایت، استرالیا تحت‌البحری‌های خود را برای مأموریت‌های امریکا و بریتانیا در آب‌های اطراف چین به کار خواهد گرفت. در چند سال اخیر، امریکا همچنین تلاش کرده است تا کانادا، فرانسه و آلمان را از طریق ستراتیژی مشارکت اقیانوس آرام برای جزایر اقیانوس آرام (۲۰۲۲) و مشارکت برای اقیانوس آسی (۲۰۲۲) به پروژه خود در اقیانوس آرام جذب کند. در سال ۲۰۲۱، در اجلاس فرانسه-اقیانوسیه، توافقی برای تجدید روابط با اقیانوس آرام حاصل شد و فرانسه دارائی‌های نظامی جدیدی به کالدونیای جدید و پلی‌نزی فرانسه وارد کرد. امریکا و فرانسه همچنین درباره هماهنگی فعالیت‌های نظامی خود علیه چین در اقیانوس آرام وارد بحث شدند.

اما این شراکت‌ها تنها بخشی از جاه‌طلبی‌های آمریکا در منطقه هستند. آمریکا در حال ایجاد پایگاه‌های جدیدی در جزایر شمالی فیلیپین است – اولین توسعه از این نوع در کشور فیلیپین از اوایل دهه ۱۹۹۰ تاکنون – و فروش تسلیحات به تایوان را نیز تشدید کرده است؛ تسلیحاتی که شامل فناوری‌های نظامی پیشرفته (از جمله سیستم‌های دفاع راکتی و تانک‌های بازدارنده در برابر حمله نظامی چین) می‌شود. در همین حال، آمریکا هماهنگی خود با ارتش جاپان را بهبود بخشیده و تصمیم گرفته است قرارگاه‌های نیروهای مشترک را ایجاد کند، به این معنی که ساختار فرماندهی نیروهای امریکائی در جاپان و کوریای جنوبی به طور مستقل تحت کنترل ساختار فرماندهی آمریکا در این دو کشور آسیائی خواهد بود (نه تحت دستورات مستقیم از واشنگتن)

با این حال، پروژه جنگی آمریکا و اروپا به آسانی پیش نرفته است. جنبش‌های اعتراضی در جزایر سلیمان (۲۰۲۱) و کالدونیای جدید (۲۰۲۴)، که توسط جوامعی رهبری می‌شوند که دیگر تمایلی به تسلیم شدن در برابر نواستعمار ندارند، برای آمریکا و متحدانش شوکه‌کننده بوده است. برای آن‌ها آسان نخواهد بود که زنجیره جزایر خود را در اقیانوس آرام مستقر کنند.

با احترام،

ویجی

پایان

[12 نومبر 2024](#)